سرآغاز

سیدمحمد هاشمی، استاد حقوق اساسی دانشگاه شهید بهشتی:

متن با منطوق آزادی بیان سازگار نیست

رسانه احتیاج به ساماندهی دارد که تردیدی در آن نیست منتها وقتی به رسانه نگاه می‌کنیم باید توجه داشته باشیم یک رسانه زنانی، یک رسانه تصویری یا مکتوب است، رسانه مفهوم عام دارد که هر کدام از این جلوه‌ها ویژگی‌های خود را طلب می‌کند. من فکر می‌کنم در همین ابتدای امر، نام لایحه که «قانون انتشار رسانه‌ها» است، اشکال دارد. برای نوشتن قانون باید دقت لازم را داشت. متاسفانه در کشور ما غیر از اینکه تنازع را در اندرون جامعه داریم در ورود به کارهای منطقی مقداری هم ناشیگری می‌شود که اگر آنها را ذکر نکنیم، گناه کرده‌ایم.

وقتی که به ماده یک لایحه نگاه می‌کنید، موضع‌گیری‌اش خیلی محتاطانه است و بعد از اینکه رسانه را بیان کرده، سریع یک تبصره اضافه کرده که شبکه‌های تلویزیون و رادیویی صداوسیما از این قانون مستثنا هستند. یعنی ما حق خروج‌زدن در این‌باره را نداریم. وقتی که ما از آزادی صحبت می‌کنیم، باید بدانیم، صداوسیما فقط مال دولت و حاکمیت نیست، بلکه مال مردم هم است و نمی‌توانیم مشارکت مردم را در مدیریت آن نادیده بگیریم. بنابراین مستثناکردن این قضیه لایحه را آسیب‌پذیر کرده است.

در ماده ۲۰ درباره حدود مطبوعات، انتشار مطالب، آزاد است به جز مواردی که در بند ۶ آمده که اهانت صریح به دین مبین اسلام و مقدسات آن و سایر ادیان شناخته‌شده در قانون اساسی و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید ممنوع شده است. بنده به عنوان شهروند عرض می‌کنم درواقع این اخص‌کردن عناوین در اهانت دون منزلت انسانی است و مفهوم مخالف این بند این است که اهانت به اشخاص آزاد است. جالب است قرآن به ما می‌گوید حتی دنیا در مقابل دیگران نباید به آنها بدگویی و فحاشی کرد. این بند با منطوق آزادی رسانه‌ها و آزادی بیان سازگاری ندارد. بند ۱۳ ماده ۲۰، انتشار مطالب علیه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور متزلزل و بی‌اعتبارکردن آن، جزء حدود مطبوعات آورده شده است. در اینجا حقوق آزادی بیان قرقه می‌شود چون حتی اجازه نقد قانون اساسی را نداریم و این خلاف آزادی است. هر قانونی محل انتقاد است این عبارت‌بردازی‌هایی که در لایحه شده یک سری موضع‌گیری‌هایی است که حالت استیلایی دارد و با آزادی رسانه سازگاری ندارد.

در ماده ۳۶، نکته‌ای آمده که آن را با منطوق آزادی‌خواهی سازگار نمی‌بینم و آن بندی است که وابستگان به رژیم سابق را که درواقعه زمانی (۵ خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷) در مشاغل حساس بوده و همچنین کسانی را که در این مدت از طریق مطبوعات، رادیو و تلویزیون با سخنرانی در اجتماعات جمعنگرا تبلیغاتی زیر گذشته بوده‌اند، از انتشار رسانه و هرگونه فعالیت در رسانه‌ها محروم کرده است.

این دقیقا با آزادی بیان سازگاری ندارد. مستثناکردن صرفا برای افراد محکوم می‌تواند درست باشد. ما خیلی از طاغوتی‌هایی را داشتیم‌که حتی برخی در مجلس خبرگان قانون اساسی صاحب مقام و سردمدار پاوای از امور شدند.

در ماده ۴۲ این لایحه هم به ترکیب هیات نظارت پرداخته شده و برخی از افراد حکومتی در آن هستند و گفته شده یک نفر از استادان حوزه علمیه به انتخاب شورای‌عالی حوزه علمیه قم نیز در آن باشند. یعنی استادان دانشگاه اصلا عضویتی در این شورا ندارند. این نوعی طبقه اجتماعی برقرار قائل‌شدن است که با منطوق اسلام سازگاری ندارد. درحالی‌که خداوند پیغمبر را هم کنار دیگر افراد می‌نشاند و پیامبر می‌گفت من هم یک بشر مثل شما هستم. این وضعیت که در لایحه آمده با آن آزادی‌ای که در اندرون اسلام نهفته شده، سازگاری ندارد. هم برای یک معلم، باید بگویم که صاحب‌نظران دانشگاهی خیلی داریم که بلد راحتی‌ها هم نوشیده‌اند. اما اسلامی و انسان واقعی هستند.

در ماده ۵۲ لایحه به دلیل آن که رسانه‌ها هست، تخلفات به درجه‌یک تا چهار تقسیم شده و یکی از تخلفات درجه‌چهار، تحریک و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب جرم علیه امنیت، استقلال، تمامیت ارضی، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج است. از این بند می‌شود یک تفسیر موسع کرد. در قانون مطبوعات فعلی نیز این تجربه را داریم که اگر کسی یک کلمه حرف بزند آن را سریع به عنوان تحریک در نظر می‌گیرند. مثلا روزنامه‌ای که انتقادی کوچک می‌کند و در قانون آن را به تشویش اذهان عمومی محکوم می‌کنند. بنابراین حق نقد وجود نخواهد داشت و این با منطوق آزادی بیان تضاد دارد. ما غیر از قرآن میراث‌های دینی بسیار خوبی مانند نهج‌البلاغه را داریم و در آن، در اوصاف امام‌علی(ع) آمده که نقد در مقابل پادشاه‌خوران زمان خلافتش ایستاد، بلکه کفت حق را انتقاد هم از من دارید. ما فقط نباید اسم امام‌علی را ببریم، بلکه اخلاق علوی باید داشته باشیم. این بندها اصلا با آن منطوق اخلاق علوی سازگاری ندارد.

به ماده ۸ لایحه هم باید اشاره کنم که درباره ایجاد سازمان نظام رسانه‌ای است. گفته شده این سازمان، سازمانی صنفی، حرفه‌ای، غیردولتی، غیرانتفاعی و دارای شخصیت حقوقی مستقل است که به منظور حمایت از حقوق و آزادی‌های مشروع رسانه‌نگاران و رسانه‌های حاکمی تاسیس می‌شود. اما چه کسانی اعضای این سازمان هستند؟ اعضا شامل حقوقی هستند. یکی از صورت‌های نظام‌های صنفی خودجوش‌بودن آنها و ابتکار عمل افراد در تشکیل و اجرای آن است. دراین‌باره، وقتی وزیر ارشاد و مقامات حکومتی حضور داشته باشد این سازمان اصلا با منطق آزادی سازگاری ندارد. توصیه می‌کنم توجه کرده و کافی را به این موارد داشته باشند.

مشکل دیگر این لایحه در ماده ۱۸ است که وقتی تمایز تعریف رسانه و شورای‌عالی امنیت ملی را مستثنا در نظر گرفته و گفته است مصوبات شورای‌عالی امنیت ملی پس از ابلاغ از طریق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای رسانه‌ها لازم‌الاتباع است و تخلف از آن جرم محسوب می‌شود. بین این ماده و ماده ۲۰ که می‌گوید: «رسانه‌ها در انتشار مطالب، جز در موارد اخلال در مبانی و احکام اسلامی و حقوق عمومی و خصوصی که در این ماده و ماوبعد بعدی مشخص شده است، آزادند»، تعارض وجود دارد. این مستثناکردن‌ها کلا با منطوق آزادی سازگاری ندارد.

مشروح نشست ارزیابی پیش‌نویس لایحه قانون انتشار رسانه‌ها در کمیسیون حقوق بشر اسلامی

قانونی برای رسانه‌ها بدون حل مشکلات اساسی

عکس‌ها: امیر جوجری، شرق

کمیسیون حقوق بشر اسلامی، نهادی است که دو سال پیش در چنین روزهایی، نقش فعالی در نقد لایحه قانون نظام رسانه داشت و نشست تخصصی مبسوطی نیز دراین‌باره برگزار کرد. این‌روزها که لایحه قانون رسانه‌های همگانی، که لایحه پیشنهادی «قانون انتشار رسانه‌ها» نیز خوانده می‌شود، در دولت در حال بررسی است دفتر مرکزی کمیسیون حقوق بشر اسلامی نیز نشستی درباره آن برگزار کرد. این نشست عصر روز هشتم شهریور، با حضور سیدمحمد هاشمی، استاد حقوق اساسی دانشگاه شهید بهشتی، باقر انصاری، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، کامبیز نوروزی، حقوق‌دان و کارشناس حقوق رسانه‌ها و حسن نمکدوست تهرانی، مدیر مرکز آموزش و پژوهش مؤسسه همشهری و روزنامه‌نگار باسابقه، برگزار شد که متن سخنرانی‌ها را در دو صفحه پیش‌رو می‌خوانید.

باقر انصاری، دانشیار حقوق دانشگاه شهید بهشتی و مؤلف کتب حقوق رسانه و ارتباطات:

لایحه پراشکال و غیرعملی است

دومین‌بار است که ما در کمیسیون حقوق بشر اسلامی بررسی یک لایحه را در دستور کار داریم. اولین بررسی پیش‌نویس دو سال پیش در همین روزها بود که به لایحه قانون سازمان نظام رسانه‌ای اختصاص داده شده بود. وقتی آن قانون قبلی نیز در اینجا مطرح شد، خیلی دوست داشتم کسانی که آن را نوشته بودند مشخص باشند و اینجا حضور داشته باشند. از کارشناس دفاع کنند، نوآوری‌های کارشان، نقدهای کارشان و مطالعاتی را که روی کارشان انجام داده بودند شرح دهند. اما هیچ‌کس مسئولیت آن لایحه را برعهده نگرفت و آن کار عقیم ماند و معلوم نشد که اصلا به کجا منتهی شد. الان هم کمان بودند دوستانی که این کار را انجام داده‌اند تا در ابتدای بحث ارائه‌ای از کاری که کرده‌اند، می‌دانستند تا بگویند چگونه این کار را انجام داده‌اند و نوآوری‌های کارشان چیست تا ما می‌توانستیم بهتر قضاوت کنیم. اما چون اکنون حضور ندارند ما سعی می‌کنیم انگیزه‌های دوستان را مفروض بگیریم و روی سند بیشتر بحث کنیم تا نیات دوستان.

سعی می‌کنم خیلی به مواد لایحه ورود نداشته باشم. اما باید کفت در قانون‌نویسی و تولید یک سند، یک تصمیم و یک مقرره، اولین و اصلی‌ترین بحث این است که اهداف و ضرورت‌های تهیه متن باید مشخص و توضیح داده شود که چه می‌خواهیم و چرا می‌خواهیم و اگر مشکلی وجود دارد. درکجاست و می‌خواهیم با این متن چه کاری را حل کنیم. اما این مسئله در این لایحه وجود ندارد و در این متن به رسمی که در لوایح وجود داشته که چند جمله‌ای در ابتدایش نوشته می‌شده که اهداف و ضرورت‌های لایحه چیست، نیز توجهی نشده است. با فرض مشخص‌شدن این موارد، باید سیاست‌ها و خطوط کلی کار نیز مشخص شود؛ یعنی اینکه چگونه باید این کار انجام شود. مثلا اگر می‌خواهیم تحولی در حوزه حمایت از آزادی رسانه‌ها داشته باشیم، باید تصمیم بگیریم فضای مجازی را با رسانه‌های سنتی یکجا در نظر بگیریم یا جدا. نکته بعدی درباره لایحه نیز این است که بحث رسانه‌ها و آزادی بیان اهمیت بسیار بنیادی در بین سایر حقوق آزادی‌ها دارد. معمولا در سطح نظام حقوق بین‌الملل، حقوق بشر غالبا نوشته می‌شود که این قانون سنون بقیه حقوق آزادی‌هاست و از آن به عنوان حق کلیدی یاد می‌کنند؛ یعنی بسیاری از آزادی‌ها با آن باز می‌شود یا ممکن است بسته شود. به همین‌دلیل، آزادی بیان و مطبوعات اهمیت بسیار زیادی دارد و به‌سادگی مثل بقیه حقوق آزادی‌ها نمی‌شود درباره آن صحبت کرد. قبض و بسط این حوزه اثرات زیادی در حوزه‌های بسیار زیادی مثل آموزش، پژوهش، سیاست، اقتصاد، ورزش و نظایر آن دارد. من شخصا معتقدم اگر این کنترل و نظارتی را که در حوزه آزادی بیان داریم کمتر بود، این همه نیاز به بحث مبارزه با فساد نداشتیم.

درحال‌حاضر، در کشورهای اروپایی به دلیل تحولاتی که در حوزه فناوری و رسانه‌های جدید وجود داشته، بحث‌های چالشی‌ای وجود دارد که می‌گویند اکنون مرز بین پخش (broadcast)، بهای باند (broadband) و انتشار (publication) به هم ریخته است و معلوم نیست روزنامه‌های دنیا در حال پخش و توزیع بپردازند هستند یا همان انتشار را انجام می‌دهند. کشورها در این زمینه کموبیش سیاست‌هایی را مشخص کرده‌اند و آنچه به عنوان یکپارچگی (convergence) در رسانه‌ها درباره آن بحث می‌شود، اکنون بسیار جدی است. اما عبارت‌هایی که در این لایحه وجود دارد، اما در لایحه اجازه داده شده و انگار که رسانه‌ها حالت مطبوعات سنتی دارند و باید با آنها مثل مطبوعات برخورد شود که این وضعیت اصلا جواب نمی‌دهد. این لایحه اصلا به‌روز نیست و درباره عصر حاضر صحبت نمی‌کند؛ یعنی مثل عصر دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی با رسانه‌های جدید نیست. در این حوزه، مطالعات تطبیقی خیلی مهم است و باید تحولات ما در منطقه‌ای و بین‌المللی را ببینیم. ما که بدتر از افغانستان، اکوادور و زیمبابوه نمی‌خواهیم باشیم. باید نگاهی بیندازیم که در جهان چه می‌گذرد و کاری انجام دهیم. چراکه خدای نکرده، ترجمه انگلیسی این متن به آبرو و حیثیت کشور لطمه می‌زند. بعضا کارهای عجیب‌وغریبی انجام می‌دهیم که هزینه بین‌المللی هم برای ما درست می‌کند.

سال گذشته یک پیش‌نویس از دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها با همین عنوان برای من ارسال شد و خیلی هم برایش وقت گذاشتم و حدود ۴۰-۵۰ نکته از بدو تا ختمش را نوشتم و ارسال کردم. دوباره در اردیبهشت امسال متن را برای من فرستادند و گفتند شرط نکرد نظر دهید. دیدم متن تغییر خاصی نکرده و این‌همه ما نظر داده بودیم انگار اصلا نظر نداده‌ایم. به‌همین‌دلیل با وجود اینکه پیگیری‌های زیادی هم داشتم هیچ جوابی ندادم چون در دفعه گذشته اصلا هیچ واکنشی به نظرها نشان داده نشد. به نظر من، اگر بنا است در این لایحه بازنگری شود، آنچه می‌خورد در آن لحاظ شود، این نکاتی است که عرض خواهم کرد.

اولین نکته‌ای که ما در حوزه نظام رسانه‌ای نیاز داریم بحث تدقیق و شرح‌وبسط و تصریح یک سری حقوق آزادی‌های رسانه‌ای است. رسانه را نیز جرم به عنوان اشخاص حقوقی هم به عنوان روزنامه‌نگاران به معنای عام کلمه در نظر می‌گیرم. بحث دسترسی به اطلاعات اکنون آن‌چنان اهمیت پیدا کرده که در قوانین کشورهای مختلف در اغلب مربوط دست‌کم دو، سه ماده به آن اختصاص داده می‌شود. اکنون فروض و شقوق بحث مربوط به آزادی بیان به‌قدری زیاد شده است که دیگر در تمام قوانین کشورها قید و به آن تصریح می‌شود. ما این موارد را نداریم و در قوانین‌مان آنها را به صورت کلی آورده‌ایم. ما می‌خواستیم در این لایحه حقوق آزادی‌ها را به‌ویژه حقوق آزادی‌هایی که اکنون تثبیت شده‌اند، وارد کنیم. ما نیاز داریم به طور خیلی جدی که حدود آزادی‌های رسانه را آنجا به عنوان تخلفات و جرائم وجود دارد، مثلا تشویش اذهان و افترا به نهادها و دستگاه‌ها را در بالای ۹۰ درصد کشورهای جهان، در حاضر اقامه دعوی از سوی دستگاه دولتی علیه رسانه وجود نشده است. حتی هنر را هم که بررسی می‌کردم، می‌گفت مفاهیم دولتی حق تدارد علیه رسانه‌ای اقدام کند و بکوید به من اهانت شد. کرجنوبی، ژاپن و آفریقای جنوبی نیز همین کار را کرده‌اند. ابزارهای آزادی بیان اینهاست اما ما در این لایحه دوباره همین بحث‌های سنتی افترا، توهین و ... را که بسیار کمدار و کلی است، داریم. حتی برای انتقادی که اکنون محل بحث است، در خیلی از کشورها حدود و تفور مشخص شده که جا داشت در این لایحه به آن توجه داشته باشیم.

نکته سومی که جا داشت در این لایحه رعایت شود، اصلاح اطلاع نظارت و کنترل بر مطبوعات و رسانه‌هاست؛ از خود هیات نظارت بر مطبوعات گرفته که به نظر من، هم در سطح ملی هم در سطح بین‌المللی، هزینه‌هایش بسیار بیشتر از فوایدش است. ما در حوزه فضای مجازی کمویینش نشان داده‌ایم نظام کنترل پسینی ما بیشتر از پیشینی جواب می‌دهد و همان کاری را که در حوزه فضای مجازی انجام می‌دهیم. درباره مطبوعات هم می‌توانیم انجام دهیم. چرا باید یک امر عجیب‌وغریبی داشته باشیم و در دنیا به دلیل نظارت جارت قرار داده‌ایم. به نظر من، مشکلاتی که در قانون فعلی وجود داشت، در این لایحه تشدید شده است.

نکته بعدی که در لایحه پیشنهادی انتشار رسانه‌ها به آن توجه نشده، عدم تسری نظام مجوز و امتیاز کنونی به فعالیت‌های فضای مجازی در مقیاس عام آن است. این کار نه عملی و نه از نظر حقوقی قابل دفاع است که ما بخواهیم همان نظام صدور مجوز و امتیاز را درباره کسی که می‌خواهد یک وب‌سایت خبری و خبرگزاری داشته باشد، ملزم کنیم بیاید و از ما مجوز بگیرد. عملا هم ما در قانون مطبوعات این کار را آورده‌ایم ولی قابل رعایت نبوده و شدنی هم نیست. تنها فرضی که در چند سال اخیر به دست آمده این است که ما در حال آزمایش و خطا در حوزه‌ای هستیم که در کشور ما بدون مجوز می‌شد صحبت عمومی کرد و این به نظر من، در حال جواب‌دادن در کشور است و دولت هم در حال اعمال کنترل‌های خود است و اگر جایی فکر می‌کند تخلفی رخ داده، احضار و بازداشت هم انجام می‌دهد. بنابراین نیازی ندارد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وضع را بدتر از آن کند که الان هست. در نظام رسانه‌ای ما جای شفافیت رسانه‌های خالی است که به اعتبار رسانه‌های ما نیز آسیب زده است. لازم است ما نظام رسانه‌ای خود را شفاف کنیم؛ یعنی هیچ مالکان رسانه‌های ما مشخص شود؛ اینکه درآمد رسانه‌ها از کجا می‌آید، هدایای آنها به چه صورتی گرفته می‌شود، مخارج‌شان چطور است، نظام مالیات و عوارض آنها چطور است و اصولا هر آنچه که به شفافیت در نظام رسانه‌ها موسوم است.

آیین رسیدگی به جرائم رسانه‌ها، از اغماز و تعقیب تا هیات منصفه، نیازمند اصلاح و بازنگری است که در این لایحه توجهی به آن نشده است. نکته خیلی مهم در کشورهای مختلف در سطح بین‌المللی است که از آنها به «قوانین سیر» یاد می‌شود. حتی در کشورهای آمریکای لاتین، الان عبارتی مرتب استفاده می‌شود که می‌گویند «منتقد، مجرم نیست». برای همین، کلی قوانین و قواعد وضع کرده‌اند که موسوم به قوانین سیر هستند که از منتقدان حمایت می‌کند؛ از افشاگران، منابع خبری و روزنامه‌نگاران. این حمایت‌ها توجیهات بسیار زیادی دارد؛ می‌گویند این حمایت‌ها بهایی است که یک جامعه برای به‌دست‌آوردن انواع فواید هزینه می‌کند.

متن لایحه پیشنهادی از نظر کلی، متنی بسیار سنتی، با رویکردی اقتدارگرایانه، با ابرادهای قانونی فاحش و اجرائیشدنی و غیرعملی است. از نظر بحث‌های فنی و تکنیکی لایحه‌نویسی، خود عنوان قانون نیز ایراد دارد؛ اینکه ما انتشار را برای همه رسانه‌ها استفاده کنیم، محل اشکال است. جهاز ماده‌ای در این متن نبود کـه ایراد عمده‌ای در آن نباشد. حتی فصل‌ها نیز مشکل دارد. مثلا فصل اول که درباره تعاریف و کلیات است، از نظر حرف‌های باید یک ماده بیشتر نباشد. اولین تعریف مشکل دارد چون وسیله ارتباطی که منتشر نمی‌شود، بلکه پیام و محتواست که منتشر می‌شود. تعریف نشریات مکتوب، الکترونیک برخط هم برخط هم محل بحث است. در این لایحه فعالیت رسانه‌ای به معنی عام تعریف شده و اخکامی بر آن بار شده که فشار بسیار زیادی بر هر نویسنده‌ای وارد می‌کند. یکبار قرار گیرید. از این منظر، در لایحه پیشنهادی گفته شده باید همان رسانه‌های که اولویت‌بار خبر را منتشر می‌کنیم ما که در وبعدی‌ها توجهی نکنیم. این مورد مشخص، بار هم در متن دید؛ برای نمونه، در فصل ۵ لایحه انتشار رسانه‌ها، می‌شد از روزنامه‌نگاران، سازمان‌های غیردولتی، وکلای دادگستری و استادان دانشگاه، اعضایی در هیات نظارت تعریف کرد. اما این مواردحذف شده است. در این لایحه فعالیت رسانه‌ها به معنای عام تعریف شده و اخکامی بر آن بار شده که فشار بسیار زیادی بر هر نویسنده‌ای وارد می‌کند. یکبار قرار گیرید. از این منظر، در لایحه پیشنهادی گفته شده باید همان رسانه‌های که اولویت‌بار خبر را منتشر می‌کنیم ما که در وبعدی‌ها توجهی نکنیم. این مورد مشخص، بار هم در محله ما اتفاق افتاده بود. نیروی انتظامی از فردی شکایت کرد و در پرداخته نتوانست به نظر دادگاه، ادعای خود را اثبات کند. همه خبرگزاری‌ها این خبر را داده بودند و اتفاقا روزنامه‌های ایران، همشهری، کیهان و اطلاعات هم این خبر را منتشر کردند. مجلدهای که من در آن کار می‌کردم، بعد از یک ماه، در گزارشی که نوشت این مطلب را روایت کرد که قلانی حتی ادعای کرده است. نیروی انتظامی از مجله ما شکایت کرد و رفتم داداه و ساده‌دلانه از ما عذرخواهی کرد و گفت خبر را کار کرده بودند. قتوکمی گرفتیم و برای هیات‌منصفه بردیم. گفتند هزار دلیل می‌کند. مادامی که وضع را به‌گونه‌ای نگذاریم که هیات از حقوق دوستان ما در قانون بیشتر حمایت کند، مورد بدی کار می‌کند. چرا از آنها شکایت نمی‌کنید. کنند. نیروی انتظامی خواسته از شما شکایت کند و نقل شود. دیگر رسانه‌ها لازم نیست تحت پیکرد قرار گیرند و جای خبر هم گفته اگر داداه یک خبرگزاری را محکوم کرد، باید از کل خبرگزاری‌ها شکایت کند. اگر باز هم از کلاه دوستان من در وزارت ارشاد نکته کنیم، این هم یک قدم به جلوست. حدس من این کلیدواژه‌ها و این رمزها این است که استباط دوستان این بوده که نمی‌توانند در کلیت قضیه حق تبصیر جدی‌ای دهند. یعنی به همین مواردی که استادان محترم در این جلسه ذکر کردند که نمی‌شود دست زد و ما می‌توانیم برویم سراغ اصول. بنابراین برویم دنبال فروغ دست‌دوم و دست‌سوم؛ برویم تا ببینیم آیا کلمه و عبارتی را می‌توانیم در آن قرار دهیم یا نه. مثلا اینکه نهادهای رسانه‌ای باید یک خبرگزاری داشته باشند؛ اصلا کشور باید یک خبرگزاری داشته باشد. احتمالا نکته کرده‌اند و دیده‌اند که نهاد چند خبرگزاری وسیع و چندین خبرگزاری غیررسمی دارد. حالا آمده‌اند عبارتی محدودکننده گذاشته‌اند. احساس من این است که حقوق‌دان‌ها و روزنامه‌نگارها خودشان باید کمک کنند. هر چیزی که در اینجا گفته شد، از دولت بیرون آمده. بهتر از این نبوده. هیچ کرهی را واقعا باز نکرده. اگر دولت نمی‌تواند رسانه را تعریف کند، حقوق‌دان‌های ما کمک کنند. تا کی باید چند حقوق‌دان معدود درباره آزادی رسانه‌ها و آزادی بیان صحبت و تلاش کنند؟ اگر هم هست، ما مطالبشان را نمی‌بینیم. وقتی می‌بینیم چنین متونی که بر از مسئله و سقف راه‌حل‌ای از جمله مثال‌هایی است از وضع هفتاد وسیع و برای مثال مجرم کردم اما در خروش‌بیانه‌ترین ماله. حل‌کننده مسائل نیستند. چه کسی باید کمک کند که وضعیت جامعه بهتر شود؟ اگر وضع مطبوعات خوب نشود، وضع جامعه خوب نخواهد شد. تاثیرات آزادی مطبوعات در هم ساحت‌های زندگی اجتماعی است. آیستاد ما این است که حقوق‌دان‌ها در تدوین یک متن کمک کنند. ما این لایحه را در می‌کنیم و شش ماه دیگر از یک جای دیگر متن دیگری بیرون می‌آید. درخواست من این است جامعه حقوقی کشور برای تدوین یک قانون برای رسانه‌ها کمک کنند. احساس من این است کسانی که لایحه را نوشته‌اند با روبکرد خوش‌بینانه که نگاه کنیم. نیت‌شان این بوده که یک‌سری سکه‌هایی را جلو یا بردارند. اما این نبوده؛ چه‌کار کنند. با اینکه برخت و چارت دارند چون از جامعه خرت و چارت نمی‌گیرند. دکتر معتمدنژاد می‌گفت بحث مجبور و امتیاز بادکار دوران قذشته است. باید جامعه به سمت جامعه‌ای تخیگان و به کسانی که لایحه را می‌نویسند جرئت دهد تا با این تابوها که قرن‌شان سپری شده، مواجه شوند. به تنهایی نمی‌رسید است. البته نویسندگان ما هم باید در این زمینه احساس مسئولیت کنند و درباره‌ای بنویسند و فقط تعداد محدودی روزنامه‌نگار و نشریه نباشد که این بحث‌ها را دنبال می‌کنند. مادامی که وضع به همین منوال و قرار باشد دوستان ما در یک ساختار با پیچیدگی و بیروکراسی زیاد و با نشدن تخصص‌ها بخواهند متنی بنویسند، علی‌الله‌هذه لایحه بهتری از این متنی که پیشنهاد شده، بیرون نمی‌آید.

کامبیز نوروزی؛ حقوق‌دان و کارشناس حقوق رسانه‌ها:

از به‌کاربردن عنوان روزنامه‌نگار ابا داشته‌اند

فعالان غیرحرفه‌ای در کنار رسانه‌های رسمی و حرفه‌ای چه عدم توازن ایجاد کرده‌اند. قانون اساسی هم در اصل ۲۴، اصل آزادی مطبوعات یا اصل آزادی رسانه‌ها را آورده و تصریح کرده نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند. مگر آنکه مخل در مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. اصل بر آزادی رسانه‌هاست اما این لایحه اصل را وارونه کرده و انگار که اصل بر محدودیت رسانه‌هاست مگر خلافش ثابت شود.

من سف توقعاتم را بالا نمی‌برم و می‌خواهم این لایحه را با قانون مطبوعات سال ۶۴ مقایسه کنم. در قانون سال ۶۴، موارد محدودیت مطبوعات که با عنوان «حدود مطبوعات» ذکر شده، هشت مورد است اما در لایحه فعلی این حدود ۱۷ مورد است. قانون سال ۶۴، حدود مطبوعات انتشار اجرای کیفری ندارد. مثلا اگر تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر انتشار شود، برای این موارد به قانون مجازات اسلامی مراجعه می‌شود. لایحه پیشنهادی، این هشت مورد را به ۱۷ مورد افزایش داده و علاوه بر این، برای آنها ضمانت اجرا گذاشته؛ یعنی هرکدام از آنها را نشریه‌ای رعایت نکند، مجازات می‌شود. مثلا برای ایجاد اختلاف بین اقشار جامعه مجازات در نظر گرفته شده است. قانون کیفری دقیق است و برای عبارت‌های کلی و گسترده که نمی‌شود ضمانت اجرای کیفری گذاشت. یا افترا به نهاد و ارگان‌ها در این لایحه به عنوان حدود رسانه‌ها آمده که یک نشریه حقوقی است که به یک شخص حقوقی اصلا نمی‌توان افترا نسبت. افترا یعنی نسبت‌دادن فعل مجرمانه که عمل شخص حقیقی است نه یک نهاد. در قانون سال ۶۴، طبق ماده ۹ برای گرفتن امتیاز و مدیرمسئولی‌شدن پنج شرط وجود دارد. اما در لایحه اختیارات رسانه‌ها، برای کسانی که متقاضی انتشار نشریه هستند، ۱۰ شرط پیش‌بینی شده که یکی از شرایط «دارابودن حسن شهرت» است. همه‌چیز در اینجا واردنوشته شده؛ حسن شهرت و درباره عصر حاضر صحبت نمی‌کند؛ یعنی مثل عصر دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی با رسانه‌های جدید نیست. در این حوزه، مطالعات تطبیقی خیلی مهم است و باید تحولات ما در منطقه‌ای و بین‌المللی را ببینیم. ما که بدتر از افغانستان، اکوادور و زیمبابوه نمی‌خواهیم باشیم. باید نگاهی بیندازیم که در جهان چه می‌گذرد و کاری انجام دهیم. چراکه به قانون اساسی جمهوری اسلامی» است. من که خارجی نیستم که زیر پرچم جمهوری اسلامی بخواهم اعلام وفاداری به قانون اساسی کنم؛ من که نمی‌خواهم تابعیت بگیرم. من در جمهوری اسلامی زندگی می‌کنم و عملا ملزم به قانون اساسی آن هستم.

کسی که این لایحه را نوشته، در مورد قانون اساسی یا وفاداری آگاهی نداشته است. در بند دیگری از مقدمه وظوح که مصداق بارز تفتیش عقاید است. آمده «اعتقاد به اسلام یا ادیان شناخته‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران». چون مجری برای اجرای این بند باید فرمی تهیه کند و در آن بند دیگاهی امتیاز را بنویسد و متقاضی نیز دین خود را بنویسد. اگر تفتیش عقاید است. قانون اساسی برای حق آزادی بیان تفکیک قائل نشده است و این حق جزء حقوق مطلق و غیرمرسوم است. این شرایط هیچ یک در قانون مطبوعات فعلی نیست و نشان‌دهنده دیدگاه‌هایی است که پشت این لایحه است.

با همه این حسن‌گیری‌ها، وقتی ما به حقوق رسانه‌ها می‌رسیم، می‌بینیم اینها هیچ تغییری نکرده است. یکی از بزرگترین و مهم‌ترین حقوق روزنامه‌نگاران یعنی حق عدم افشای منابع خبر، در این لایحه نقض شده است. در ماده ۱۲ این لایحه آمده است: «رسانه‌ها حق دارند از افشای منابع اطلاعات و اخبار احتراز کنند. مگر با دستور مقام صالح قضائی». یعنی اگر یک کارگر بی‌پناه با حکمت خود دهد حق بیمه‌اش پرداخت نشده و روزنامه‌نگاری خبر آن را منتشر کند، اگر در نهایت رسانه با شکایت مدیرعامل شرکت استخدام‌کننده آن کارگر مواجه شود، وقتی در دادگاه از او می‌خواهند که منبع خبرش که بوده، رسانه باید آن کارگر بی‌پناه را لو دهد و اگر این کار را نکند با تشدید قرار با تشدید مجازات روبه‌رو خواهد شد. جون از امر مقام قضائی تخطی کرده است. نتیجه این لایحه خیلی شبیه کاه دیگری که خرنکار چیزی نمی‌کیرد. زیرکی اینجاست که درواقع، این قانون پیشنهادی با خود روزنامه‌نگار کاری ندارد و سراغ ریشه و منبع خبر رفته است. درحالی‌که با قانون فعلی مطبوعات، اگر یک مدیرمسئول منبع خبرش را نکوید، با تشدید مجازات با قرار روبه‌رو نخواهد شد.

در لایحه قانون انتشار رسانه‌ها، اگر ماده ۲۰ را که درباره حدود مطبوعات صحبت می‌کند با ماده ۵۲ که درباره جرائم آنهاست در کنار هم قرار دهیم، می‌بینیم در این لایحه بیش از ۸۰ جرم رسانه‌ای تعریف شده است؛ از واعدبکردن جلسه خود و زبان فارسی در اجرای تبلیغاتی گرفته تا ترغیب و تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب جرم. مشابه این مسائل را ما در قانون مجازات اسلامی نیز داریم اما دقیق نوشته شده و قابل تشخیص است.

همچنین تشخیص نیمی از این جرائم در لایحه در دست نظارت بر نشریه‌هاست که یک مجموعه دولتی تمام‌عیار است و هیچ جایی برای جامعه مدنی در آن دیده نشده است. در سراسر این متن، یک بار کلمه روزنامه‌نگار نیامده و من نمی‌دانم چرا به جای کلمه روزنامه‌نگار از «فعالان رسانه‌ای» استفاده شده است. روزنامه‌نگار یک معنای عام دارد که به یک نشریه حقوقی است؛ یعنی کسی که در تلویزیون، رادیو، مطبوعات یا دیگر رسانه‌ها کار می‌کند. من نمی‌توانم قبول کنم کلمه روزنامه‌نگار را از لایحه به حساب دانستن بگذارم.

نمی‌دانم چرا از به‌کاربردن این کلمه «شوم» به نام روزنامه‌نگار ابا دارند. چهمندی من از کل لایحه پیشنهاد انتشار رسانه‌ها این است که لایحه حاضر براساس اصل عدم آزادی رسانه‌ها تنظیم شده. قضای رسانه‌های کشور ما در آن لحاظ نشده. فناوری ناشی از اینترنت و محیط وب که دیگر به آن «جدید» هم نمی‌توان گفت اصلا در این لایحه به آن توجه نشده است. حقوق مطبوعات بدون‌کاهش ذهنی هم وجود دارد. حقوق مطبوعات بسیار افزایش پیدا کرده و این لایحه علاوه بر اینکه موجب تضییع حقوق روزنامه‌نگاران، موجب تضعیف فضای رسانه‌های ملی در برابر رسانه‌هایی است که در خارج از ایران تولید می‌کنند و فضای رسانه‌ای ملی ما را در دنیای امروز یکی از عناصر امنیت ملی است. مغلوب فضای رسانه‌ای بین‌المللی می‌کند چون در تلاش برای ممانعت از توسعه رسانه‌های مستقل، آزاد و مسئول است.

حسن نمکدوست تهرانی؛ مدیر مؤسسه آموزش و پژوهش همشهری و روزنامه‌نگار باسابقه:

قانون پیشنهادی در اصول تغییر نرداده است

سخنم را با نقل قولی از کنت دو میراسو، از آزادی‌خواهان دوره انقلاب فرانسه، شروع می‌کنم که دکتر هاشمی در کتاب خودشان از او آورده‌اند: «آزادی مطبوعات، از جمله آزادی‌هایی است که بدون آن، به دیگر آزادی‌ها نمی‌توان دست یافت.» تمام آزادی‌های فردی و اجتماعی مبتنی‌بر وجود تحقق آزادی مطبوعات است که البته امروزه به اصول آزادی‌های رسانه‌ای که رد زده، به اشکال دیگر رسانه‌ها تعمیم پیدا ک